

برنامه پیشنهادی که تحت عنوان "عدالت ثمره سدره انسانی" تقدیم گردیده سعی دارد به یکی از مهمترین اصول روحانی امر مبارک یعنی عدالت و طرق به کارگیری آن در حیات فردی و اجتماعی ما بپردازد.

مفید خواهد بود که ضمن زیارت آثار مبارکه، در خصوص اهمیت این اصل روحانی به تفکر پرداخته و برای متجلی ساختن هر چه بیشتر آن در ابعاد گوناگون حیات (فردی و اجتماعی) مشورت نمائیم.

تأییدات الهی همراهتان

حضرت بهاء الله میفرماید:

عدل و انصاف دو حارسند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علت صلاح عالم و حفظ امم است  
ظاهر گردد " گلزار ص ۶۷

### عنوان: عدالت ثمره سدره انسانی

#### قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۳- بیان مبارکه حضرت بهاء الله

۴- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

#### قسمت اداری

۶- قسمتی از پیام ۳ بیت العدل اعظم الهی مورخ آذر ۱۳۸۸

۷- قسمتی از بیانیه رفاه عالم انسانی

۸- چگونه فرد بهائی باید "قهرمان عدالت" باشد؟

۹- هدف از عدالت

۱۰- عدالت در جنبه های مختلف حیات بشر

۱۱- شور و مشورت

چگونه میتوانیم اصل عدالت را در زندگی خود (خانواده، محیط کار، خدمت، تعاملات اقتصادی، روابط اجتماعی و ...  
به کار گیریم؟)

۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

#### قسمت اجتماعی

۱۳- انس و الفت

۱۴- مناجات خاتمه

الها معبودا مسجودا مقتدرا

شهادت میدهم که تو به وصف ممکنات معروف نشوی و به اذکار موجودات موصوف نگردی ادراکات عالم و عقول امم به ساحت قدست علی ما ینبغی راه نیابد و پی نبرد . آیا چه خطا اهل مدینهٔ اسما را از افق اعلایت منع نمود و از تقرب به بحر اعظمت محروم ساخت؟ یک حرف از کتابت امّ البیان و یک کلمه از آن موجد امکان . چه ناسپاسی از عبادت ظاهر که کلّ را از شناسائیت باز داشتی؟ یک قطره از دریای رحمتت نار جحیم را بیفسرد و یک جَذوه از نار محبتت عالم را برافروزد . ای علیم اگر چه غافلیم ولكن به کرمتم متشبّث و اگر چه جاهلیم به بحر علمت متوجّه . توئی آن جوادی که کثرت خطا تورا از عطا باز ندارد و اعراض اهل عالم نعمتت را سدّ نماید . باب فضلت لازال مفتوح بوده . شبندی از دریای رحمتت کلّ را به طراز تقدیس مزین فرماید و رشحی از بحر جودت تمام وجود را به غنای حقیقی فائز نماید . ای ستّار پرده بر مدار لازال ظهورات کرمتم عالم را احاطه نموده و انوار اسم اعظمت بر کلّ تابیده . عبادت را از بدایع فضلت محروم نما و آگاهی بخش تا بر وحدانیّت گواهی دهند و شناسائی ده تا به سویت بشتابند . رحمتت ممکنات را احاطه نموده و فضلت کلّ را اخذ کرده از امواج بحر بخششت بُحُور طلب و طمع ظاهر . هر چه هستی توئی مادونت لایق ذکر نه الا بالدّخول فی ظلّک و الورد فی بساطک . در هر حال آمرزش قدیمت را میطلبیم و فضل عمیمت را میجوئیم . امید چنان که نفسی را از فضلت محروم نسازی و از طراز عدل و انصاف منع نمائی . توئی سلطان کرم و مالک عطا و المهیمن علی من فی الأرض و السماء .

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۲۰ تا ۳۲۳

۲-بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

رَیُّنُوا يَا قَوْمٌ هَيَّا كِلْكُمْ بِرِدَاءِ الْعَدْلِ وَ إِنَّهُ يُوَافِقُ كُلَّ النُّفُوسِ لَوْ أَنَّكُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ "

گلزار ص ۲۱۱

"ثمر سدره انسانی عدل و انصاف بوده اگر دارای این ثمر نباشد لایق نار است"

گلزار ص ۶۷

جهت نمائید تا صفات و اخلاق الهیّه از شما ظاهر شود و به کمال استغنا و سکون ما بین بریّه مشی نمائید و با کمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید . خیانت را به امانت و غیبت را به تزکیهء نفس و ظلم را به عدل و غفلت را به ذکر تبدیل نمائید . آیات الهی ج ۱ ص ۳۳۹

این خادم از حق جل جلاله میطلبد عالم انسان را به عدل وانصاف مزین فرماید اگرچه انصاف هم از شئون عدل است و عدل سراجی است که انسانرا در ظلمت دنیا راه مینماید و از خطر حفظ می کند...

آیات الرحمن ص ۱۵۶

"تو را وصیت می نمایم در جمیع امور به عدل و انصاف. این دو، هادی نفوسند و حافظ وجود "

پیام آسمانی ج ۲ ص ۲۲۰

۳- بیان مبارک حضرت بهاءالله

در جمیع احوال به عدل و انصاف ناظر باشید در کلمات مکنونه این کلمه علیا از قلم ابهی نازل : یا ابن الرّوح اَحَبُّ الاشیاء عندی الانصاف. لا تَرَعَبَ عَنْهُ ان تَكُنَّ الیِّ رَاغِباً و لا تَغْفُلُ مِنْهُ لِتَكُونَ لِی اَمِیناً و اَنْتَ تُؤَفِّقُ بِذَلِكِ ان تُشَاهِدَ الاشیاءَ بِعَیْنِكَ لا بِعَیْنِ الْعِبَادِ و تَعْرِفُهَا بِمَعْرِفَتِكَ لِابْمَعْرِفَةِ اَحَدٍ فِی الْبِلَادِ فَكَّرَ فِی ذَلِكِ كَیْفَ یَنْبَغِی ان تَكُونَ ذَلِكِ مِنْ عَطِیَّتِی عَلَیكَ و عِنَايَتِی لَكَ فَاجْعَلْهُ اَمَامَ عَیْنِیكَ اصحاب انصاف و عدل بر مقام اعلی و رتبه علیا قائمند انوار برّ و تقوی از آن نفوس مشرق و لائح. امید آنکه عباد و بلاد از انوار این دو نیر محروم نمانند.

مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس ص ۱۹

۴- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

"ثانی صفت کمالیه عدل و حقایق است و آن عدم التفات و التزام منافع ذاتیه و فوائد شخصیّه خود و بدون ملاحظه و مراعات جهتی از جهات ، بین خلق اجراء احکام حق نمودن و نفس خود را چون افراد بندگان غنی مطلق شمردن و جز امتیاز معنوی در امری از امور تفرد از جمهور نجستن و خیر عموم را خیر خویشتن دانستن. خلاصه هیأت جمعیت را به منزله شخص واحد پنداشتن و نفس خود را عضوی از اعضای این هیأت مجسمه انگاشتن و الم و تأثر هر جزئی سبب تالم کل اجزا هیأت بالبداهه تیقن نمودن است ."

رساله مدنیّه ص ۴۶

"اگر نفسی خوف عُقوبت ابدی و امید به مکافات ابدی داشته باشد البتّه این نفس به نهایت همت در فکر اجراء عدل است و بیزار از ظلم زیرا انسانی که معتقد است اگر ظلم کند در عالم باقی به عذاب الهی مُعَذَّب میشود البتّه از ظلم و اعتساف اجتناب نماید.»

گلزار ص ۴۲۶

از جمله ممکنات حضرت مقدّس انسان است که این حضرت ملکوتی را حضرت لاهوت به فضائل و خصائص و خصائصی مشرف و ممتاز فرموده است که عین اعین موجودات است و روح حقائق ممکنات . از جمله خصائص ملکوتی این حقیقت مقدّسه عقل و هوش است و عدل و انصاف از فیض سروش. و این قوای الهیه به او عنایت شده که در حیز فعل مجری دارد نه مُهْمَل و مُعْطَل انگارد. مثلاً عقل عنایت شده است که در مبادی و عواقب امور به فکر ثاقب تعمق نماید و تأمل کند تا اعمال و افعال صحیح و سقیم را امتیاز دهد و مضرّ و نافع را ادراک کند و به عدل و انصاف حرکت نماید و مظهر لطف رحمن شود و مطلع انوار رحمت حضرت یزدان و این دو قوه قدسیّه عقل و عدل دو آیت کُبرای ربّ منان است.

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۰۸

#### ۶- قسمتی از پیام ۳ بیت العدل اعظم الهی مورخ آذر ۱۳۸۸

تعلیم عدل و انصاف در خانواده اقدامی اساسی در جهت رفع این نارسایی بزرگ اجتماعی است. فرزندان باید آن چنان تربیت شوند که هر انسانی را بدون در نظر گرفتن دین، قوم و یا هر گونه تعلق دیگری هم‌نوع خود دانسته گرامی شمردند و به این بیان که نمایان‌گر روح این زمان است ناظر باشند: "سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یک‌دیگر را مبینید همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار." ملاحظه فرمایید که چطور کودکان بر اثر تربیت فرا می‌گیرند که به فکر حقوق افراد خانواده خویش باشند. با تربیت بیشتر می‌آموزند که رعایت حال همسایگان و خدمت به آنان را نیز واجب شمردند. در سطحی برتر، تربیت درست می‌تواند به آنان یاری دهد تا با بینشی وسیع‌تر عزّت وطن و ملت خویش را مدّ نظر قرار دهند و هنگامی که این وسعت بینش به منتهی درجه کمال رسد البته پیشرفت نوع انسان و خیر و صلاح تمامی مردم جهان را یکی از اهداف زندگی خود قرار خواهند داد. خانواده محیطی است که در آن، این افکار بلند و شکوه‌مند جهان‌شمول می‌تواند پرورش یابد و بدین ترتیب نسل‌های برومندی تربیت شوند که ترقی و پیشرفت خود را در سعادت و عزّت دیگران ببینند.

#### ۷- قسمتی از بیانیه رفاه عالم انسانی

عدالت تنها نیرویی است که می‌تواند خود آگاهی بشر به وحدت و یگانگی را، که تازه آغاز شده، به اراده ای جمعی تبدیل نماید تا بدین وسیله بتوان با اطمینان خاطر مؤسّسات لازم برای زندگانی جامعه ای جهانی را بر پا نمود. عصری که شاهد دسترسی روز افزون مردم جهان به انواع اطلاعات و افکار است عدالت را به عنوان اصل حاکم بر ترکیب

موفقیت آمیز اجتماع می شناسد و طرحهایی که به منظور آبادانی کرهء ارض تنظیم می شود ناچار باید روز به روز بیشتر با شرایط و ضوابطی که عدالت ایجاب می نماید منطبق گردد.

در سطح فردی، عدالت عبارت از آن نیروی روح انسان است که شخص را قادر می سازد تا حقیقت را از غیر آن باز شناسد. حضرت بهاءالله این حقیقت را تأکید فرموده اند که "احبّ الاشياء عندی الانصاف"\* زیرا عدالت و انصاف سبب می شود که انسان با چشم خود ببیند نه با چشم دیگران، و خود کشف حقایق نماید نه آنکه به دانسته های اطرافیان متکی باشد. عدالت، انصاف در قضاوت را ایجاب میکند و مراعات بیطرفی در رفتار با دیگران را، و به این ترتیب در زندگانی روزانه مونس است دائمی ولی سخت گیر.

در سطح گروهی، عدالت به منزلهء شاخص و از لوازم تصمیم گیری جمعی است، زیرا تنها وسیله برای حصول وحدت فکر و عمل محسوب می شود. عدالت با آنچه در گذشته بنام عدالت اجراء می شده، یعنی تشویق گرایش به سوی تنبیه و مجازات، تفاوت فاحش دارد. عدالت عملاً این نکته را جلوه گر می سازد که در راه پیشرفت بشریت، مصالح و منافع فرد و جامعه به نحو تفکیک ناپذیری به یکدیگر مرتبطند. هرچه بیشتر عدالت وسیله راهنمایی در ارتباطات انسانی شود به همان نسبت بیشتر فضا و جوی برای مشورت و مذاکره فراهم می گردد که می توان انواع امکانات را بی غرضانه و بدون جانبداری بررسی کرد و مسیر مناسبی برای اقدامات مقتضی انتخاب نمود. در چنین جوی تمایلات دیرینهء توسل به تزویر و دسته بندی به مراتب کمتر ممکن است در جریان تصمیم گیری مؤثر واقع شود.

ملاحظات فوق الذکر تأثیرات عمیقی در توسعهء اقتصادی و اجتماعی دارد. رعایت عدالت مانع از آن میشود که وسوسهء فدا کردن رفاه عامهء بشر و حتی کرهء زمین به طور کلی به خاطر منفعی که ممکن است از پیشرفتهای فنی و صنعتی نصیب اقلیت مرقه گردد، توسعه و عمران واقعی به شمار آید. رعایت عدالت همچنین سبب می گردد که در طرح ریزی و تنظیم

و تنظیم برنامه های توسعه و عمران منابع محدودی که موجود است صرف اجرای اقداماتی شود که موافق مصالح و اولویتهای اساسی اجتماعی و اقتصادی جامعه باشد. مهمتر از همه آنکه تودهء مردم که اجرای برنامه های عمرانی را بر عهده دارند خود را متعهد برنامه هایی می دانند که پاسخ گوی نیازهای آنان و دارای اهدافی عادلانه و منصفانه باشد. سایر صفات انسانی مانند امانت، علاقه به کار و داشتن روحیهء همکاری که لازمهء اجرای مطلوب برنامه های مزبورند هنگامی ممکن است برای تحقق هدفهای مشترک به نحوی شایسته به کار گرفته شود که هر یک از اعضای جامعه و در واقع هر یک از گروههای موجود در اجتماع اطمینان یابند که در پناه ضوابط و معیارهایی قرار دارند که در مورد همه یکسان و عادلانه به کار می رود.

## ۸- چگونه فرد بهائی باید "قهرمان عدالت" باشد؟

عدل و انصاف در هر دو سطح فردی و اجتماعی تجلی می‌کند. در سطح فردی، به عنوان قوه روح انسانی، با گستره وسیعی از صفات و نگرش‌ها، از جمله راستی، صداقت، آزادی از قید تعصب و تمسک کورکورانه به سنن و روایات مرتبط است. در حیات جمعی نوع بشر، انصاف و عدالت نظم و ثبات را موجب می‌شود. حضرت بهاءالله توضیح می‌فرماید که انصاف و عدالت قوه نیرومندی است که قلوب و نفوس بشری را مجذوب می‌سازد و پرچم محبت را به اهتزاز در می‌آورد. هدف از آن ظهور و استقرار وحدت است. حضرت بهاءالله می‌فرماید، "لا انسان الا بالانصاف و لا قوة الا بالاتحاد"...

برای یک بهائی، حامی حقیقت و قهرمان عدالت بودن دلالت تلویحی به تمسک به اعمال و رفتاری دارد که اساسا با آنچه که در کل اجتماع پذیرفته شده متفاوت است. نزاع و جدال وسیله مناسبی برای برقرار عدالت نیستند و عدالت هم ثمره جریان خصمانه نیست. فعالیت برای حصول عدالت مستلزم حمایت تقلیدی از مواضع مورد علاقه یا امور مورد توجه این زمان نیست. عدالت دستاویزی برای تأمین مصالح و منافع شخصی نیست. وقتی که شخص از آسودگی‌ها و راحتی‌های زندگی مرفه برخوردار باشد، با خشم و رنجش‌های موجه و فریادهای حق‌طلبانه از راه دور از جانب مظلومین نمی‌تواند عدالت را طلب نماید و استقرار بخشد. بلکه در عوض، با صبر و شکیبایی، اقدام مداوم و تعلیم و تربیت محبت‌آمیز، می‌توان به ترویج آن کمک کرد. در جریان ایجاد و برقراری عدالت، انسان متحمل بی‌عدالتی‌ها می‌شود. حیات حضرت بهاءالله شاهدهی است صادق بر این حقیقت.

جامعه‌ی متشکل از افرادی که حامی حقیقتند و قهرمان عدالت، موقعی که برای استقرار نظام عدالت حضرت بهاءالله برای کلّ عالم انسانی فعالیت می‌کنند، با آرامش و خویشتن‌داری با معضلات، سختی‌ها، و حتی آزار و اذیت روبرو می‌شوند.

برگرفته از کتاب خلق تفکر بدیع

## ۹- هدف از عدالت

عدالت یکی از مهم‌ترین اصول آئین بهائی است و پیشرفت تمدن وابسته به برقراری و بکارگیری عدالت در همه حیطه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. لازمه درک تعالیم حضرت بهاءالله درباره عدالت، پذیرفتن اصل یگانگی نوع انسان است. عدالت آن هنگام معنا می‌یابد که بپذیریم هیکل جامعه انسانی، یک کل به هم وابسته و هماهنگ است. توان‌مندی‌ها و استعدادهای بشریت متعلق به همه اعضای آن است و همچنین درد و رنج‌های آن همه را مبتلا می‌کند. در این چارچوب است که می‌توان به درک عمیق‌تری از سخن حضرت بهاءالله رسید که هدف از عدالت را ایجاد اتحاد بین انسان‌ها ذکر می‌کنند تا نوع بشر بتواند به عنوان یک موجود و یک هیکل زندگی کند.

سایت بهائیان ایران

از دیدگاه بهائی خدا عادل است و وجود ظلم و درد و رنج و شر را به خدا نسبت نمیتوان داد و ادیان الهی برای برقراری عدالت به مقتضای زمان به عالم آمده اند و در ادیان سابقه بسیاری از آنچه ما امروز بی عدالتی میدانیم چون نابرابری میان مؤمن و غیر مؤمن ، میان انسان آزاد و انسان برده، میان زن و مرد، میان افراد متعلق به نژادها و اقوام مختلف پذیرفته بود یا مورد مسامحه قرار داشت . اما امر حضرت بهاء الله هدف اصلیش اعتلاء مقام انسان ، احترام به شرافت و کرامت ذاتی و حقوق انسانی همه افراد و ایجاد جامعه ایست که بر همه جنبه های آن عدالت حکمرانی کند از جمله در عرصه سیاست (دموکراسی)، اقتصاد (توزیع عادلانه ثروت)، روابط انسانی (اصل مساوات و حتی موااسات یعنی ترجیح دیگری بر خود)، فرهنگ (احترام به فرهنگ و زبان اقلیت) ، قضاوت و داوری، وضع قوانین و غیر آن، اخلاقیات بهائی بر مفهوم اعتدال که یکی از صور یا مظاهر عدالت است بسیار تکیه میکند و فرد بهائی باید در همه شئون حیات میانه رو باشد.

اعتدال بین زندگی مادی و زندگی روحانی، تعادل میان عقل و عشق و عاطفه ، میانه روی بین خدمت به خود و بستگان خود و خدمت خلق. به طور عام شعار بهائیان همان است که از زبان حضرت بهاء الله نقل کردیم که فرموده اند ان اعدلوا علی انفسکم ثم علی الناس لیظهر آثار العدل من افعالکم بین عبادنا المخلصین .

#### ۱۴-مناجات خاتمه

ای خدای مهربان یاران جانفشانند و دوستان ساعی به دل و جان تا پرتو حقیقت بتابد و ابر رحمت ببارد و نسیم جنت ابهی بوی خوشی به مشامها رساند گلخن امکان، گلشن توحید گردد و خار زار جهل، گلزار عرفان شود. خارستان بغض و کین، بهشت برین شود تا جمیع بشر در ظلّ رایت محبت الله جمع و حشر گردند و ظلّ ممدود احاطه به جمیع وجود کند و شُرادق صلح اکبر بر این توده اغبر سایه افکند. آثار اعتساف نماند. دلبر حبّ و انصاف جلوه نماید. شمع یگانگی بر افروزد. پردهء بیگانگی بسوزد. ای پروردگار تأییدی کن، ای پروردگار توفیقی بخش، ای دلبر مهربان جلوه ای فرما، ای آفتاب جهانیان از ملکوت پنهان اشراقی فرما. درماندگانیم، بیچارگانیم، آوارگانیم، بیسر و سامانیم، مستحقّ عنایتیم و مستعدّ ظهور حمایت، موقّق بر خدمت نما و مؤید بر عبودیت کن توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی بخشنده و تابنده و مهربان . ع ع